

رابطه سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های

شهر تهران

هاجر شاهی^۱، دکتر زهره صادقی افجه^۲، دکتر فریبا مرادی عباس‌آبادی^۳

۱. کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. گروه روان‌شناسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره پنجم، شماره چهل و پنجم، تیرماه ۱۳۹۹، صفحات ۱۲-۲۴

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ به تعداد ۸۲۰۹۹ نفر دختر بودند. حجم نمونه ۳۸۲ نفر از این دانش‌آموزان بر اساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های رفتارهای پرخطر نیازی، عباس زاده و سعادت‌ی (۱۳۹۶)، سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و خودکنترلی تانجی باثومیستر و بونه (۲۰۰۴)، پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش هم‌زمان تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر رابطه معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز آشکار کرد که ۷۰٪ درصد از کل واریانس رفتارهای پرخطر به وسیله سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی تبیین می‌شود. با توجه به نتایج حاصله از تحقیق حاضر در خصوص قدرت پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی در تغییرات رفتارهای پرخطر دختران نوجوان، پیشنهاد می‌شود به جهت پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان دختر، طرح‌های پژوهشی مداخله‌ای در خصوص آموزش خودکنترلی به نوجوانان و آشنایی والدین به سبک‌های دلبستگی و راه‌های افزایش سبک‌های ایمن طرح‌ریزی و اجرا شود.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای پرخطر، سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی.

مقدمه

از منظر روان‌شناسی تحولی می‌توان به گستره نوجوانی، دوره مرور علائم مرضی روان‌شناختی اطلاق نمود. نوجوانی دوره آسیب‌پذیری است که می‌تواند با رفتارهای پرخطر^۱ همراه باشد. رفتارهای پرخطر، رفتارهای بالقوه‌ای هستند که مخرب بوده و افراد به‌طور ارادی یا بدون اطلاع از پیامدهای نامطلوب و منفی آن مرتکب می‌شوند (رضایی جمالویی، حسنی و نورمحمدی، ۱۳۹۸). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می‌شود که سلامت و بهزیستی جسمی، روانشناختی و اجتماعی افراد جامعه را به خطر می‌اندازد (پولاسچک و ونگ^۲، ۲۰۲۰) و شامل مصرف الکل و سوءمصرف مواد، صدمات و خشونت، مصرف تنباکو، رژیم‌های غذایی نامناسب، بی‌حرکی و رفتارهای جنسی پرخطر است (پناهی و همکاران، ۱۳۹۷). عوامل متعددی می‌تواند در بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان دختر نقش داشته باشد که یکی از این عوامل می‌تواند سبک‌های دلبستگی^۳ باشد (هو، شو و چن^۴، ۲۰۱۹). بر اساس دیدگاه بالبی، دلبستگی از طریق روابط غیرکلامی بین نوزاد و مراقب اولیه آن‌ها شکل می‌گیرد. سبک‌های دلبستگی به مدل‌های درون‌کاری معینی از دلبستگی اشاره دارد که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد را به جدایی از نگاره‌ای دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره‌ها تعیین می‌کند. این مدل‌های درون‌کاری یک پایگاه امنی را برای فرد فراهم می‌کند که وی را قادر می‌سازد احساسات خود را به روشی نسبتاً مستقل و کاربردی تنظیم کند؛ بنابراین این سبک‌های دلبستگی عمدتاً بر اساس تجربه‌های فرد با مراقبت اولیه توسط والدین شکل می‌گیرند، در طول زندگی نسبتاً پایدار می‌مانند و بر تعامل‌های اجتماعی وی تأثیرگذار است (فوشوبر^۵ و همکاران، ۲۰۱۹).

افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، به دلیل در دسترس بودن مراقب اولیه خود در زندگی، اعتمادبه‌نفس بیشتری از خود نشان می‌دهند و از مراقب خود به‌عنوان پناهگاهی برای کشف جهان استفاده می‌کند (سوری، گارگ و تولیا^۶، ۲۰۱۹). افراد دارای دلبستگی ایمن، به‌راحتی می‌توانند با دیگران رابطه برقرار کنند و در جهت دریافت حمایت دیگران، از خود تمایل نشان دهند. کسانی که سبک دلبستگی ایمن دارند، تصور مثبتی از خود داشته و از دیگران نیز توقعات و انتظارات معقول و مثبتی دارند (هازن و شاور، ۱۹۸۷؛ به نقل از پرویزی و صادقی، ۱۳۹۶) و مدیریت تنظیم هیجانی بالاتر (میکولینسر و شاور^۷، ۲۰۱۹) و قدرت سازگاری بیشتری نیز برخوردار هستند (هولت، کورنهابر، کویت، روگرز، شاو، لاو و کلاری^۸، ۲۰۱۹). افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی هستند، نسبت به دیگران بدبین بوده و علائم اختلال شخصیت پارانوئید بیشتری از خود نشان می‌دهند (لاوین، بوسی، واریسی و بری^۹، ۲۰۱۹). افرادی که از دلبستگی ناایمن دوسوگرای اضطرابی برخوردار هستند، اعتمادبه‌نفس پایین و انفعال بیشتری دارند،

1. high risk behaviors

2. Polaschek & Wong

3. attachment styles

4. Chen, Hu, Shu & Chen

5. Fuchshuber, Hiebler-Ragger, Kresse, Kapfhammer & Unterrainer

6. Suri, Garg & Tholia

7. Mikulincer & Shaver

8. Holt, Kornhaber, Kwiet, Rogers, Shaw, Law & Cleary

9. Lavin, Bucci, Varese & Berry

توانایی مدیریت استرس کمتری دارند و خود را مزوی احساس می کنند و در مواقع نیاز از دیگران درخواست کمک نمی کنند. کودکان با این سبک دلبستگی وقتی مراقبان آنها غایب است به ندرت علائم استرس را از خود نشان می دهند و موقعی که مراقب آنها نزد کودک برمی گردد مراقب خود را نادیده می گیرند (سوری، گارگ و تولیا، ۲۰۱۹).

سبک دلبستگی ناایمن می تواند نقش مهمی در بروز رفتارهای پرخطر جنسی در نوجوانان داشته باشد (کیم و میلر^۱، ۲۰۲۰). همچنین سبک دلبستگی ناایمن منجر به این می شود که نوجوانان رفتارهای پرخطری در زمینه مصرف مواد مخدر و نوشیدن الکل داشته باشند (زاژور^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). براساس نتایج پژوهش ها، بیشترین تغییرات رفتارهای پرخطر مربوط به سبک دلبستگی ناایمن است (جوادی، زابلی و الله وردی، ۱۳۹۵). همچنین در یک پژوهش نشان داده شده است که بین سبک های دلبستگی و رفتارهای پرخطر در نوجوانان دبیرستانی رابطه وجود دارد و سبک های دلبستگی نقش پیش بینی کننده ای در بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان دارند. دانش آموزانی که از سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی برخوردار هستند، در سال های نوجوانی رفتارهای پرخطرتری را از خود نشان می دهند (فیلیس، برانچ و سیمپسون^۳، ۲۰۱۸). در یک پژوهش دیگر ارتباط معنی داری بین دلبستگی ناایمن اجتنابی با بروز مشکلات و رفتارهای پرخطر در نوجوانی بیان شده است، به این صورت که نوجوانانی که دلبستگی ناایمن و اجتنابی دارند دارای مشکلات بیشتری در رفتار و عواطف هستند (وامبائو، اوبوندو، بیفولکو و کومار^۴، ۲۰۱۸).

همچنین، افراد دلبسته ایمن درک بهتری از هیجان ها دارند و در مقایسه با افراد ناایمن، در تنظیم هیجان توانایی بیشتری دارند. در مقابل کسانی که از دلبستگی ناایمن برخوردار بودند و از سبک های تنظیم هیجانی سازش نایافته استفاده می کنند، ذهنی آشفته داشتند و در تنظیم هیجانی و سازگاری ناتوان هستند (بکندام^۵، ۲۰۰۱؛ به نقل از ناصر قلی بافقی، ملایی و حسن زاده، ۱۳۹۵) که همه اینها می تواند در بروز رفتارهای پرخطر مؤثر باشد. از طرفی دیگر، خودکنترلی^۶ عاملی مهم در بروز مشکلات نوجوانان در زمینه رفتارهای پرخطر و سوء مصرف مواد مخدر است (بشیریان، حیدرنیا، وردی پور و حاجی زاده، ۱۳۹۱). خودکنترلی می تواند عاملی بازدارنده در بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان باشد (لیو، وانگ و تیان^۷، ۲۰۱۹). خودکنترلی بیانگر قسمتی از رابطه چالش برانگیز بین بروز و سرکوب احساس با علائم منفی جسمانی و روانی باشد. خودکنترلی به عنوان ظرفیت تغییر دادن پاسخ ها به منظور قراردادن آنها در ارزش ها، هنجارها و اهداف درازمدت است (دوکورث و کرن^۸، ۲۰۱۱؛ به نقل از کاشانکی، قربانی و حاتمی، ۱۳۹۵). خودکنترلی در تئوری یادگیری اجتماعی بیانگر این حقیقت است که خودکنترلی به عنوان یک مفهوم قابل تعبیر، قابل یادگیری و آموزش است (بشیریان، حیدرنیا، اله وردی پور و حاجی زاده، ۱۳۹۱). خودکنترلی یعنی فرد، کنترل رفتارها، احساسات و غرایز خود را با وجود برانگیختن برای عمل داشته باشد. یک کودک یا نوجوان با خودکنترلی زمانی را صرف فکر کردن به انتخاب ها و نتایج احتمالی

1. Kim & Miller

2. Zakhour

3. Phillips, Branch & Simpson

4. Wambua, Obondo, Bifulco & Kumar

5. Bekendam

6. self-control

7. Liu, Wang & Tian

8. Duckworth & Kern

می‌کند و سپس بهترین گزینه انتخاب می‌نماید. خودکنترلی تحت عنوان کاربرد صحیح هیجان‌ها معرفی شده است و طبق این تعریف خودکنترلی به قدرت تنظیم احساسات، موجب افزایش ظرفیت شخصی برای تسکین دادن خود، درک کردن اضطراب، افسردگی یا بی‌حوصلگی‌های اشاره دارد (موسوی مقدم، نوری، خدادادی، احمدی و غیائی، ۱۳۹۶).

بر اساس پیشینه پژوهش، نشان داده شده است که بین خودکنترلی و هیجان‌پذیری با رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد، به‌صورتی که هیجان‌پذیری و خودکنترلی می‌توانند رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند (دلالتگر لنگرودی، حسین خانزاده، طاهر و مجرد، ۱۳۹۷). همچنین نقش خودکنترلی در بهبود کارکردهای تحصیلی نشان داده شده است، به‌طوری‌که خودکنترلی نقش مهمی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در محیط مدرسه ایفا می‌کند (دوکورث، تاکسر، اسکریس-وینکلر، گالا و گروس^۱، ۲۰۱۹). درمجموع می‌توان گفت، آنچه مشخص است، سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی در بروز رفتارهای پرخطر نقش دارند؛ اما آنچه در مطالعات قبلی از دید پژوهشگران غافل مانده است، بررسی نقش هم‌زمان سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر در نوجوانان است که در این پژوهش به بررسی این مهم پرداخته شده است. تحقیق در این زمینه می‌تواند نتایج مفیدی برای سازمان آموزش و پرورش و همچنین مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی برای برنامه‌ریزی بهتر در جهت کمک به بهبود و کاهش رفتارهای پرخطر به همراه داشته باشد. لذا از آنجایی که پژوهش‌های پیشین نقش تعاملی سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی بر رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران مورد پژوهش واقع نشده است، در راستای رفع این خلأ تحقیقاتی در این پژوهش به بررسی این سوال پرداخته شده است که آیا بین سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۸۲۰۹۹ نفر دختر بودند. در این پژوهش، بر اساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای حجم نمونه ۳۸۲ نفر برآورد شد. با توجه به گستردگی جامعه آماری، شهر تهران به ۵ خوشه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و از هر خوشه یک منطقه (منطقه ۴ از شرق تهران، منطقه ۲۱ از غرب تهران، منطقه ۱۶ از جنوب تهران، منطقه ۱ از شمال تهران و منطقه ۶ از مرکز تهران) و از هر منطقه ۲ دبیرستان (درمجموع ۱۰ دبیرستان) و از هر دبیرستان ۲ کلاس و از هر کلاس ۱۵ الی ۲۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ازجمله اصول رعایت شده اخلاقی بر اساس انجمن روان‌شناسی آمریکا^۲ عدم تضییع حقوق دانش‌آموزان در پژوهش و رعایت حقوق انسانی آن‌ها بود. توضیح به افراد شرکت‌کننده در پژوهش که مشارکت در تحقیق برای آن‌ها خطرناک نبوده و یا حداقل خطر را دارد. توضیح کامل و مفید برای دانش‌آموزان برای آماده کردن پژوهش، کسب رضایت آگاهانه از آن‌ها، اختیاری بودن پژوهش در اختیار قراردادن نتایج در صورت تمایل به دانش‌آموزان از دیگر اصول اخلاقی رعایت شده در این پژوهش بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی عمل شد. در سطح آمار

1. Duckworth, Taxer, Eskreis-Winkler, Galla & Gross

2. American Psychological Association

استنباطی جهت بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان استفاده شد. ابزار تجزیه و تحلیل داده ها نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه رفتارهای پرخطر^۱ (HRBS) نیازی، عباس زاده و سعادت (۱۳۹۶): این پرسشنامه شامل ۹۸ گویه است و در طیف لیکرت ۵ درجه ای نمره گذاری می شود. به این صورت که خیلی کم نمره ۱، کم نمره ۲، متوسط نمره ۳، زیاد نمره ۴ و خیلی زیاد نمره ۵ تعلق می گیرد. سوالات ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶ و ۹۰ به طور معکوس نمره گذاری می شود. برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب مؤلفه ها بالاتر از ۰/۶۰ و شاخص پایایی مرکب برای رفتارهای پرخطر نیز برابر با ۰/۹۳ گزارش شده است (نیازی، عباس زاده و سعادت، ۱۳۹۶). در این پژوهش برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آلفای کرونباخ کل سوالات ۰/۹۱ به دست آمد.

مقیاس سبک های دلبستگی بزرگسالان^۲ (AAS) کولینز و رید^۳ (۱۹۹۰): این مقیاس ۱۸ گویه و سه زیر مؤلفه شامل دلبستگی ایمن با سوالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۷؛ دلبستگی ناایمن دوسوگرایی اضطرابی با سوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۵؛ دلبستگی ناایمن اجتنابی با سوالات ۲، ۵، ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ را اندازه گیری می کند (خانجانی، قنبری و نعیمی، ۱۳۹۸). سوالات مقیاس توسط علامت گذاری بر روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت شامل کاملاً مخالفم نمره ۱ تا حدودی مخالفم نمره ۲، نه مخالف و نه موافق نمره ۳ تا حدودی موافق نمره ۴ و کاملاً موافق نمره ۵ نمره گذاری می شود. روایی سازه مقیاس توسط سازندگان آن بررسی و همبستگی معنی داری بین خرده مقیاس های آن با نمره کل وجود داشت که نشان دهنده روایی سازه مقیاس است (کولینز و رید، ۱۹۹۰). روایی همگرایی مقیاس سبک های دلبستگی با اعتیاد به اینترنت تأیید شده است (ایچنبرگ، سچوت، دکر و سیندلار^۴، ۲۰۱۷). ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) برای هر یک از سه زیر مقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب، ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. در داخل ایران پایایی آزمون با ضریب آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن ۰/۸۹، دلبستگی ناایمن دوسوگرایی اضطرابی ۰/۷۷ و دلبستگی ناایمن اجتنابی ۰/۸۱ گزارش شده است (رضایی جمالی، حسنی و نورمحمدی، ۱۳۹۸) بررسی نتایج یک پژوهش دیگر ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس را در دامنه بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۷ به دست آورده است (فوجشور و همکاران، ۲۰۱۹). در این پژوهش برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آلفای کرونباخ کل سوالات ۰/۸۶ به دست آمد.

مقیاس خودکنترلی فرم کوتاه^۵ (BSCS) تانجی، بائومستر و بونه^۶ (۲۰۰۴): این مقیاس شامل ۱۳ گویه است که دو مؤلفه خودکنترلی منع کننده با سوالات ۱، ۲، ۵، ۶، ۹ و ۱۲؛ خودکنترلی اولیه با سوالات ۳، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ را اندازه گیری می کند. سوالات ۴،

^۱. High-Risk Behavior scale (HRBS)

^۲. Adult Attachment Scale (AAS)

^۳. Collins & Read

^۴. Eichenberg, Schott, Decker & Sindelar

^۵. brief self-control scale (BSCS)

^۶. Tangney, Baumeister & Boone

۷ و ۸ نمره گذاری نمی شوند و در هیچ کدام از مؤلفه ها قرار ندارند (موسوی مقدم، نوری، خدادادی، احمدی و غیائی، ۱۳۹۶). نمره گذاری مقیاس در طیف ۵ درجه ای لیکرت صورت می گیرد به این طریق که هرگز ۱ نمره تا حدی ۲ نمره، نظری ندارم ۳ نمره، زیاد ۴ نمره و بسیار زیاد ۵ نمره تعلق می گیرد (فلرتون، لانه، نویل و دونپورت^۱، ۲۰۱۸). سوالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. به این صورت که به هرگز ۵ نمره تا حدی ۴ نمره، نظری ندارم ۳ نمره، زیاد ۲ نمره و بسیار زیاد ۱ نمره تعلق می گیرد. در پژوهش های داخل ایران برای بررسی اعتبار پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب ۰/۸۵ (کاشانکی، قربانی و حاتمی، ۱۳۹۵)، ضریب ۰/۸۳ (محمدخانی، یگانه و کریم پور، ۱۳۹۴) و ضریب ۰/۷۹ به دست آمده است (حسین خانزاده و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش های خارج کشور اعتبار پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ (تاگنی، بائومیستر و بونه، ۲۰۰۴)، ضریب ۰/۸۸ (دو، ون کونینسبروگن و کرخوف^۲، ۲۰۱۸) و ضریب ۰/۸۴ به دست آمده است (پلیارسکا و بائومیستر^۳، ۲۰۱۸). در این پژوهش برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آلفای کرونباخ کل سوالات ۰/۷۴ به دست آمد.

یافته ها

توصیف ویژگی های جمعیت شناختی سن و معدل افراد نمونه را نشان داد که میانگین سن افراد نمونه ۱۶/۹۶ و میانگین معدل آنها ۱۶/۷۵ بود.

جدول ۱. تعداد، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (تعداد = ۳۸۲ نفر)

متغیرهای پژوهش	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	آماره KS	معناداری
رفتارهای پرخطر	۱۳۴	۲۳۷	۱۷۹/۵۴	۳۲/۲۴	۱/۰۵۶	۰/۲۳۵
سبک دلبستگی ایمن	۱۰	۲۴	۱۶/۵۴	۵/۱۴	۰/۲۱۵	۰/۰۵۹
سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۱۲	۲۳	۱۷/۲۳	۳/۸۶	۰/۴۵۸	۰/۴۳۵
سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی	۱۳	۲۲	۱۷/۷۱	۲/۹۹	۰/۸۷۵	۰/۲۳۰
خودکنترلی	۱۷	۴۱	۲۷/۶۳	۷/۳۰۲	۰/۳۵۴	۰/۶۱۰

جدول ۱- شاخص های توصیفی و نرمال بودن داده ها را نشان می دهد. تعداد آزمودنی ها ۳۸۲ نفر بودند. بر اساس آزمون کلموگروف اسمیرنوف آماره های نرمال بودن بزرگتر از ۰/۰۵ هستند ($P > ۰/۰۵$)، لذا توزیع نمرات دارای توزیع نرمال است، بر این اساس می توان از آزمون های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده نمود و لذا برای پیش بینی رفتارهای پرخطر بر اساس سبک های دلبستگی و خودکنترلی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

^۱. Fullerton, Lane, Nevill & Devonport

^۲. Du, Van Koningsbruggen & Kerkhof

^۳. Pilarska & Baumeister

جدول ۲. نتایج ماتریس همبستگی پیرسون بین سبک های دلبستگی با رفتارهای پرخطر

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵
۱- سبک دلبستگی ایمن	۱				
۲- سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۸۳۵**	۱			
۳- سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۷۵**	۰/۷۴۵**	۱		
۴- خودکنترلی	۰/۸۵۵**	-۰/۷۶۸**	-۰/۵۵۳**	۱	
۵- رفتارهای پرخطر	-۰/۶۵۳**	۰/۷۵۱**	۰/۷۹۴**	-۰/۶۳۲**	۱

** معنادار در سطح ۰/۰۵

بر اساس جدول ۲- نتایج ماتریس ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن ($r = -0.653$, $p < 0.01$)، خودکنترلی ($r = -0.653$, $p < 0.01$) با رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا ($r = 0.751$, $p < 0.01$) و سبک دلبستگی اجتنابی ($r = 0.794$, $p < 0.01$) با رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از آنجایی که بین سبک های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر همبستگی معنادار وجود دارد، این امر ادامه تحلیل را ممکن می سازد. لذا برای پیش بینی رفتارهای پرخطر بر اساس سبک های دلبستگی و خودکنترلی از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج ضرایب رگرسیون چندمتغیره رفتارهای پرخطر بر اساس سبک های دلبستگی و خودکنترلی

متغیرهای پیش بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	ضریب بتا (β)	خطای استاندارد		
ثابت (Constant)	۷۲/۸۶۵	۱۳/۰۸۲	-	۵/۵۷۰	۵/۵۷۰	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن	۰/۵۷۷	۰/۴۰۸	۰/۱۹۲	۲/۴۱۴	۲/۴۱۴	۰/۰۴۸
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱/۵۲۹	۰/۵۳۴	۰/۱۸۳	۲/۸۶۲	۲/۸۶۲	۰/۰۰۴
سبک دلبستگی اجتنابی	۵/۸۴۸	۰/۴۶۰	۰/۵۴۳	۱۲/۷۲۱	۱۲/۷۲۱	۰/۰۰۱
خودکنترلی	۰/۴۹۵	۰/۲۴۵	۰/۱۱۲	۲/۰۱۸	۲/۰۱۸	۰/۰۴۴

$$R = 0.837; R^2 = 0.700; \text{ تعدیل شده } R^2 = 0.697; F = 219.683$$

با توجه نتایج به دست آمده از جدول فوق ۷۰ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر بر اساس سبک های دلبستگی و خودکنترلی تبیین می شود. لذا می توان گفت رفتارهای پرخطر در نوجوانان بر اساس سبک های دلبستگی و خودکنترلی پیش بینی می شود.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول: بین سبک های دلبستگی با رفتارهای پرخطر دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد.

نتایج ماتریس ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سبک دلبستگی اجتنابی با رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از آنجایی که بین سبک های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر همبستگی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که واریانس رفتارهای پرخطر بر اساس سبک های دلبستگی تبیین می شود. این نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیقات هو، شو و چن (۲۰۱۹)، کیم و میلر (۲۰۲۰)، زاوور و همکاران (۲۰۲۰)، جوادی، زابلی و الله وردی (۱۳۹۵)، فیلیس، برانچ و سیمپسون (۲۰۱۸)، وامبائو، اوبوندو، بیفولکو و کومار (۲۰۱۸) همسویی دارد. یافته ناهمسویی با نتیجه به دست آمده با نتیجه پژوهش حاضر وجود نداشت. در تبیین این نتیجه به دست آمده مبنی بر رابطه بین سبک های دلبستگی و رفتارهای پرخطر بر طبق نظریه دلبستگی، می توان چنین توضیح داد که اشخاص با دلبستگی نایمن در روابط بین فردی احساس ترس، بی اعتمادی و عدم امنیت دارند. افراد با دلبستگی نایمن نگران طرد و رها شدن توسط دیگران هستند. آن ها خود را لایق توجه و محبت نمی بینند و خرسندی کمی در روابط اجتماعی دارند. در نتیجه برای این اشخاص انجام برخی رفتارهای پرخطر مانند مصرف سیگار، مواد مخدر و روابط جنسی می تواند مفری برای گریز از زندگی واقعی و خوشنودی ها و ناکامی ها باشد. این اشخاص انجام رفتارهای پرخطر را راهی برای توجه، تأیید و اطمینان خاطر گرفتن از دیگران می دانند. با توسل به جنبه های اجتماعی و هیجانی رفتارهای پرخطر نیازهای روانی شان به تأیید و ترس از طرد شدن را کاهش می دهند. آن ها از طریق انجام رفتارهای پرخطر ممکن است بیشتر احساس کنند که مورد علاقه دیگران هستند و به خاطر حضور آن ها است که آن ها هم حضور دارند. با این حال، رفتارهای پرخطر احساس های عدم امنیت و بی ارزشی شدید این افراد را به طور کامل تسکین نمی دهد. بنابراین رفتارهای پرخطر می تواند به منبع پریشانی خاطر دیگری در راه های ارتباطی برای این افراد تبدیل شود. افراد با دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا بیشتر احتمال دارد که از صمیمیت و وابستگی بترسند؛ این افراد الگوهای ذهنی منفی نسبت به دیگران دارند. در نتیجه نایمن های اجتنابی و دوسوگرا از روابط رودرو، به این دلیل که دیگران را غیرقابل اعتماد می بینند، دوری کرده و احتمال بیشتری دارد که به رفتارهای پرخطری مانند انحرافات اینترنتی و اعتیاد به شبکه های مجازی که نیاز به سرمایه گذاری عاطفی زیادی ندارد، متمایل شوند. چنین افرادی به دلیل گرایش شان به حفظ فاصله با دیگران، جذب گمنام بودن در اینترنت می شوند و از آنجاکه خطر و مسئولیت کمتری در تعامل های اینترنتی وجود دارد، اینترنت را برای تعامل های اجتماعی کمتر تهدیدکننده می بینند. اینترنت ارتباط های راه دوری را برای تعامل با دیگران به جای مراددهای چهره به چهره فراهم می کند؛ که با اولویت های بین فردی و استراتژی های منفعل آن ها هماهنگ است (توکلی، جمهری، فرخی، ۱۳۹۳). از طرف دیگر از دیدگاه بالبی، افرادی که در گذشته والدینی پاسخگو و حساس داشته اند به دیگران اعتماد می کنند و همچنین خود را ارزشمند می دانند و بنابراین مدل درون کاری مثبتی از خود و دیگران تشکیل می دهند و همین مدل درون کاری مثبت است که سبب ایجاد دلبستگی این آنان می شود و این دلبستگی ایمن خود زمینه ساز بسیاری از خصوصیات مثبت روانی در افراد و دوری از اختلالاتی چون رفتارهای پرخطر می شود بنابراین به نظر می رسد که مادر در این فرهنگ مراقب اصلی و پاسخگوی نیازهای

فوری فرزندان است و به احتمال زیاد نقش مهم تری در سلامت روانی آن‌ها دارد (بهروزی، شهنی ییلاق و عزیزاده، ۱۳۹۲). لذا بر این اساس دانش آموزانی که مراقب اولیه خوبی داشته‌اند و پاسخگو بوده‌اند در آینده دارای سبک دلبستگی ایمنی خواهند بود و همین امنیت دلبستگی موجب بهبود بسیاری از مشکلات آن‌ها در طول سال‌های بعدی به‌ویژه دوری از رفتارهای پرخطر در آن‌ها می‌شود. لذا منطقی به نظر می‌رسد که بین سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود داشته باشد.

فرضیه دوم: بین خودکنترلی با رفتارهای پرخطر دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد.

نتایج ماتریس ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین خودکنترلی با رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که واریانس رفتارهای پرخطر بر اساس خودکنترلی تبیین می‌شود. این نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات لیو، وانگ و تیان (۲۰۱۹)، دلاتگر لنگرودی، حسین خانزاده، طاهر و مجرد (۱۳۹۷)، دوکورت، تاکسر، اسکریس-وینکلر، گالا و گروس (۲۰۱۹) همسویی دارد. یافته ناهمسویی با نتیجه به‌دست‌آمده با نتیجه پژوهش حاضر وجود نداشت. در تبیین این نتیجه به‌دست‌آمده مبنی بر رابطه بین خودکنترلی و رفتارهای پرخطر می‌توان گفت که خودکنترلی به توانایی کنترل رفتارها، احساس‌ها و غرایز باوجود برانگیختن آن‌ها اشاره دارد. یک فرد برخوردار از خودکنترلی، قبل از انجام هر عملی، زمانی را صرف فکر کردن درباره انتخاب‌ها و نتایج احتمالی آن‌ها می‌کند و سپس به انتخاب و اجرای آن می‌پردازد. خودکنترلی تحت عنوان کاربرد صحیح هیجان‌ها هست. قدرت تنظیم هیجان‌ها موجب افزایش ظرفیت شخصی برای تسکین خود، درک کردن اضطراب‌ها، افسردگی‌ها یا بی-حوصلگی‌های متداول می‌شود. خودکنترلی فرایندی است که طی آن، فرد رفتار خود را پایش می‌کند و مطابق با استانداردها، اهداف و معیارهایی که دارد درباره رفتار خود قضاوت می‌کند و با توجه به نتیجه‌ی قضاوت به تنظیم رفتار خود می‌پردازد. بندورا معتقد است خودکنترلی در بهبود و کنترل سلامتی اهمیت دارد. او بیان می‌کند که افراد پیوسته با رفتار خود هدایت می‌شوند (برزگر خضری و خدابخشی کولایی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین پایش درست رفتار می‌تواند برای رسیدن به سلامتی مؤثر باشد و کمبود آن به بروز مشکل و بروز رفتارهای پرخطر در افراد منجر شود. لذا منطقی به نظر می‌رسد که بین خودکنترلی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود داشته باشد. همکاری نامناسب برخی از دانش آموزان که محقق جهت جلوگیری از آسیب و خطابه نتایج تحقیق به دانش آموزان درباره تحقیق و محرمانه بودن اطلاعات آنان گفتگو کرده و فرصت کافی جهت پاسخگویی به سوالات در اختیار آن‌ها قرار داد. یکی از محدودیت‌های عمده این مطالعه مقطعی بودن آن است. محدودیت تبیین علی مطالعات همبستگی نیز ازجمله محدودیت‌های این تحقیق است. از تعمیم نتایج با سایر جوامع باید جانب احتیاط را در نظر گرفت. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه در دیگر شهرها و فرهنگ‌های دیگر برای شناخت عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر بر روی دانش آموزان اجرا شود. انجام پژوهش‌های بیشتر بر روی نمونه‌های دیگر (به‌خصوص دانش آموزان پسر) جهت تعمیم نتایج از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان در سطح پیشگیری پیشنهادی شامل افزایش مهارت‌های مراقبتی در روابط خانوادگی (مخصوصاً رابطه والدین-کودک) باهدف شکل-گیری ایمن و پیوند والدینی مناسب بدون افراط در حمایت و مراقبت از فرزندان از طریق بسته‌های آموزشی و تشکیل کلاس‌های آموزشی فرزند پروری مثبت به والدین کودکان انجام داد. بدین لحاظ آموزش سبک والدینی در این زمینه جزء اهداف اصلی

برنامه‌های کاهش رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دختر باشد. مشاوران و روانشناسان بالینی با مداخلات آموزشی و روان‌شناختی به بهبود خودکنترلی در نوجوانان پرداخته تا از این طریق بتوانند رفتارهای پرخطر آنان را کاهش دهند.

منابع

- برزگر خضری، ر؛ و خدابخشی کولایی، آ. (۱۳۹۶). رابطه‌ی خودکنترلی و جهت‌گیری مذهبی با نگرش به روابط قبل از ازدواج در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط کریم. *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۳(۴)، ۵-۱۸.
- بشیریان، س؛ حیدرنیا، ع. ر؛ اله وردی پور، ح؛ و حاجی زاده، ا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه خود کنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد مخدر. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، ۲۰(۱)، ۴۵-۵۵.
- بهروزی، ن؛ شهنی بیلاق، م؛ و علیزاده، ی. (۱۳۹۲). رابطه دلبستگی به والدین و همسالان با کمال‌گرایی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های دولتی شهر ایلام، *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰(۱۷)، ۲۳-۵۰.
- پرویزی، ر؛ و صادقی، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، سبک های دلبستگی و کیفیت زندگی در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲(۱۵)، ۵۵-۶۸.
- پناهی، ر؛ رضایی، ز؛ تیموری، پ؛ نوری، ب؛ نوری، ا؛ احمدی، ع؛ و قادری، ن. (۱۳۹۷). عوامل مرتبط با رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان شهر سنج براساس الگوی اعتقاد بهداشتی. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۶(۴)، ۳۹۳-۴۰۲.
- توکلی، ن.، جمهوری، ف؛ و فرخی، ن. ع. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و ترس از ارزیابی منفی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان، *فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۵(۲)، ۶۱-۷۷.
- جوادی، ب. ا؛ زابلی، پ؛ و الله وردی، ن. (۱۳۹۵). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس تاب‌آوری و سبک‌های دلبستگی نوجوانان دختر متوسطه دوم شهرستان شهریار. *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۶(۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
- حسین خانزاده، ع. ع؛ طاهر؛ م؛ حیدری، ح؛ محمدی، ح.، یاری، ع. م؛ و همتی، ف. (۱۳۹۴). نقش راهبردهای خودنظم بخشی و توانایی خودکنترلی در تبیین سبک های حل مسئله. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۳(۳)، ۱۰۹-۱۲۲.
- خانجانی، م؛ قنبری، ف؛ و نعیمی، ا. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط کارکرد خانواده، سبک دلبستگی و سبک‌های تربیتی والدین با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۰(۳۷)، ۱۴۲-۱۲۱.
- دالتگر لنگرودی، ک؛ حسین خانزاده، ع. ع؛ طاهر، م؛ و مجرد، آ. (۱۳۹۷). نقش هیجان‌پذیری و توانایی خودمهارگری در تبیین رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۵(۱)، ۲۵-۳۵.
- رضایی جمالویی، ح؛ حسنی، ج؛ و نورمحمدی، م. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مقطع متوسطه دوم. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۱)، ۱۱۲-۱۲۱.

- کاشانکی، ح؛ قربانی، ن؛ و حاتمی، ج. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط فرونشانی احساسات و علائم جسمانی و روانی با توجه به نقش خودشناسی انسجامی، بهوشیاری و شفقت خود، جامعه پسندی و خود کنترلی. فصلنامه پژوهش های کاربردی روان-شناختی، ۷(۳)، ۵۰-۷۰.
- محمدخانی، ش؛ یگانه، ط؛ و کریم پور، ک. (۱۳۹۴). نقش جهت گیری های مذهبی و خودکنترلی در پیش بینی آمادگی اعتیاد به مواد مخدر. مجله سلامت و مراقبت، ۱۷(۳)، ۲۵۹-۲۴۸.
- موسوی مقدم، س. ر.؛ نوری، ط.، خدادادی، ط؛ احمدی، اس؛ و غیائی، غ. ر. (۱۳۹۶). رابطه اعتیاد به اینترنت و خودکنترلی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه علمی-کاربردی شهرستان ایلام. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۵(۱)، ۸-۱.
- ناصر قلی بافقی، ن؛ ملایی، ح؛ و حسن زاده، ع. (۱۳۹۵). پیش بینی هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی بر اساس سبک های دلبستگی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۳(۳)، ۴۰۵-۳۹۸.
- نیازی، م؛ عباس زاده، م؛ و سعادت، م. (۱۳۹۶). ساخت و روایی یابی مقیاس رفتارهای پر خطر (مورد مطالعه جوانان ۳۴-۱۵ سال شهر تبریز). فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۱(۴۳)، ۵۰-۳۱.
- Chen, L., Hu, N., Shu, C., & Chen, X. (2019). Adult attachment and self-disclosure on social networking site: A content analysis of Sina Weibo. *Personality and individual differences*, 138, 96-105.
- Collins, N.R., & Read, S.J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *J personal soc psychol*, 58, 644-663.
- Du, J., Van Koningsbruggen, G. M., & Kerkhof, P. (2018). A brief measure of social media self-control failure. *Computers in human behavior*, 84, 68-75.
- Duckworth, A. L., Taxer, J. L., Eskreis-Winkler, L., Galla, B. M., & Gross, J. J. (2019). Self-Control and Academic Achievement. *Annual review of psychology*, 70, 373-399.
- Eichenberg, C., Schott, M., Decker, O., & Sindelar, B. (2017). Attachment Style and Internet Addiction: An Online Survey. *Journal of medical internet research*, 19(5).
- Fuchshuber, J., Hiebler-Ragger, M., Kresse, A., Kapfhammer, H. P., & Unterrainer, H. F. (2019). The influence of attachment styles and personality organization on emotional functioning after childhood trauma. *Frontiers in psychiatry*, 10, 643.
- Fullerton, C., Lane, A. M., Nevill, A. M., & Devonport, T. J. (2018). Does the Brief Self-Control Scale Assess Relatively Stable Individual Differences in Self-Control Among Endurance Athletes?. *Journal of sport behavior*, 41(1).
- Holt, R., Kornhaber, R., Kwiet, J., Rogers, V., Shaw, J., Law, J., & Cleary, M. (2019). Insecure adult attachment style is associated with elevated psychological symptoms in early adjustment to severe burn: A cross-sectional study. *Burns*.
- Kim, H. M., & Miller, L. C. (2020). Are insecure attachment styles related to risky sexual behavior? A meta-analysis. *Health Psychology*, 39(1), 46.

- Lavin, R., Bucci, S., Varese, F., & Berry, K. (2019). The relationship between insecure attachment and paranoia in psychosis: A systematic literature review. *British Journal of Clinical Psychology*.
- Liu, L., Wang, N., & Tian, L. (2019). The parent-adolescent relationship and risk-taking behaviors among Chinese adolescents: The moderating role of self-control. *Frontiers in psychology*, 10.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10.
- Phillips, J. M., Branch, C. J., & Simpson, T. Y. (2018). Familial Attachment and Behavioral Risk Factors among Middle School Adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 62(2), S129-S130.
- Pilarska, A., & Baumeister, R. F. (2018). Psychometric properties and correlates of the Polish version of the Self-Control Scale (SCS). *Polish psychological bulletin*, 49(1), 95-106.
- Polaschek, D. L., & Wong, S. C. (2020). High-Risk Psychopathic and Violent Offenders. *The Wiley Handbook of What Works in Violence Risk Management: Theory, Research and Practice*, 369.
- Suri, S., Garg, S., & Tholia, G. (2019). Attachment Style, Perceived Social Support and Loneliness among College Students. *IJISSH*, 4(5), 135-143.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of personality*, 72(2), 271-324.
- Wambua, G. N., Obondo, A., Bifulco, A., & Kumar, M. (2018). The role of attachment relationship in adolescents' problem behavior development: a cross-sectional study of Kenyan adolescents in Nairobi city. *Child and adolescent psychiatry and mental health*, 12(1), 27.
- Zakhour, M., Haddad, C., Salameh, P., Akel, M., Fares, K., Sacre, H., & Obeid, S. (2020). Impact of the interaction between alexithymia and the adult attachment styles in participants with alcohol use disorder. *Alcohol*, 83, 1-8.

The relationship between attachment styles and self-control with high-risk behaviors among female students' high schools of Tehran city

Abstract

The purpose of this study was to relationship between attachment styles and self-control with high-risk behaviors among female students' high schools of Tehran city. The descriptive- correlation method was used. The statistical population consists of all the female students' high school east of city in year academic 2017-2018 to 82099 female students. In this study, according to Cochran formula, 382 female students were selected as samples. Multistage sampling method was used in this research and they were asked to fill in the high-risk behavior scale of Niazi, Abbaszadeh and Saadati (2017), adult attachment scale Collins & Read (1990) and self-control scale of Tangney, Baumeister and Boone (2004). The data were analyzed by tests of Pearson correlation and multivariate regression by enter method. Findings showed that there was significant correlation between early maladaptive schemas with critical thinking ($P<0/01$). There was a negative and significant correlation between difficulties in emotion regulation with critical thinking ($P<0/01$). There was a positive and significant correlation between attachment styles and self-control with high-risk behaviors ($P<0/01$). Regression analyses also revealed that 70% of variance of high-risk behaviors was explained by attachment styles and self-control. Based on the results of the present study on the predictive power of attachment styles and self-control in high-risk behaviors in adolescent girls in order to prevent high risk behaviors among adolescent girls, it is recommended to conduct interventional research projects to train parents on the problematic areas.

Keywords: high-risk behaviors, attachment styles, self-control